

علامه آیت الله سید محمد حسن میرجهانی

طباطبایی

علامه آیت الله سید محمد حسن میرجهانی طباطبایی (زاده ی ۱۲۷۹ ه . ش / بیست و دوم ماه ذی القعدة الحرام سال ۱۳۱۹ ه . ق، جرقویه، اصفهان) فرزند سید جلیل القدر و ربانی میرسیدعلی محمدآبادی جرقویه ای اصفهانی (ره) در در قریه محمدآباد جرقویه سفلی از توابع استان اصفهان در خانواده ای مذهبی، شریف و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت قدم به عرصه وجود نهاد.

او پس از طی دوران کودکی در سن پنج سالگی وارد مکتب شده و در هفت سالگی تمام قرآن مجید را به انضمام کتب فارسی فرا گرفت. سپس به یادگیری مقدمات زبان عربی اعم از صرف و نحو پرداخت و قسمتی از کتاب سیوطی را نزد یکی از فضلاء روستای محل سکونت خود فراگرفت. بعد از آن برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه اصفهان شده و در مدرسه صدر بازار ساکن شد.

در اصفهان از محضر بزرگانی هم چون عالم فرزانه آقای شیخ محمدعلی حبیب آبادی (ره) و آقای شیخ علی یزدی (ره) بهره برده و به فراگیری فقه، اصول و منطق اهتمام ورزیدند. سپس سطوح وسطی و عالییه را در خدمت مرحوم حجت الاسلام شیخ محمدرضا رضوی خوانساری (ره) و میرزا احمد اصفهانی (ره) و آیت الله محمدعلی فتحی دزفولی (ره) و آیت الله حاج سید ابوالقاسم دهکردی (ره) به پایان رسانیدند. وی در درس خارج آیات عظام میرزا محمدرضا مسجد شاهلی (ره) و

آخوند ملاحسین فشارکی (ره) نیز حاضر می شد.

در سال ۱۳۶۴ هـ. ق (۱۳۰۵ هـ. ش) با اجازه پدر، راهی نجف اشرف گردیده و در آن دیار عالم پرور از وجود اساتید ارجمندی چون آیت الله رجایی (ره)، حاج شیخ عبدالله مامقانی (ره) (صاحب رجال) و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی (ره) بهره مند شد.

جنبه والای روحانی و اخلاقی و شخصیت علمی علامه میرجهانی باعث شد از جمله یاران خاص مرجع اعلی آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (ره) گردد و در مسجد شیخ طوسی از انفاس قدسی آن بزرگوار استفاده نماید، تا جایی که در مدت اقامت در نجف، نوشته ها و امور مالی آیت الله اصفهانی در دست علامه میرجهانی قرار داشت.

آیت الله میرجهانی پس از چندی، بار دیگر به اصرار پدرش با کوله باری از علم و فضیلت معنوی به اصفهان بازگشت.

سکونت دوباره ایشان در اصفهان همزمان با اواخر عمر پدر برزگوارش گشته بود و مدتی پس از فوت پدر، علامه راه مشهد را در پیش گرفت و حدود هفت سال هم جواری با آقا علی ابن موسی الرضا (صلوات الله علیه) را اختیار نمود.

علامه میرجهانی در ادامه فعالیت های علمی خود در مشهد مقدس، به تصحیح نسخ خطی قدیمی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی و تألیف و تصنیف و تدریس اشتغال ورزید.

محل اصلی فعالیت ایشان در مشهد، دو حجره در صحن عتیق بوده است. گویا وضعیت آب و هوای مشهد با مزاج ایشان سازگاری نداشته و در نهایت پس از هفت سال به تهران نقل مکان می کند.

کرامت و بخشش

علامه میرجهانی در کنار همه فضایل و ویژگی های علمی از خط زیبایی

نیز برخوردار بود. در زمان جوانی یکی از ثروتمندان جرقویه (محل تولد و سکونت علامه در کودکی و نوجوانی) از ایشان درخواست می کند که یک قرآن با خط زیبا برایش بنویسد و در مقابل سی تومان (به ارزش حدود هشتاد سال پیش) به علامه بپردازد. علامه میرجهانی پس از کتابت قرآن، آن را می برد و تحویل او می دهد. اما آن فرد به هر دلیل از پرداخت سی تومان مقرر خودداری می کند و در عوض غلات زیاد (گندم، جو، ارزن و ...) به آقا می دهد و علامه آنها را در انبار منزل ذخیره می کند. پس از مدتی قحطی منطقه ی آن ها را فرا می گیرد و قیمت غله بسیار بالا می رود. در چنین شرایطی افراد سودجو و طماعی پیدا می شوند که از فرصت سوء استفاده کرده، پول و اشیاء قیمتی مردم از قبیل طلا، نقره و ... را به قیمت کم و ناچیز گرفته و در قبلا آنها مقدار اندکی غلات با قیمت گزاف می دهند. هنگامی که علامه اوضاع را این چنین می بینند اعلام می کنند:

هر کس احتیاج به غلات دارد بیاید، وسایل و اشیائی ودیعه بگذارد و غلات مورد نیاز خود را ببرد.

بعد از سه ماه که با الطاف حضرت حق (جل و علا) قحطی بر طرف می شود، علامه اعلام می کند که افراد بیایند و وسایل به ودیعه گذاشته شده را بگیرند، و در مقابل غلات هیچ بهایی از مردم دریافت نمی کند.

عقیده به رجعت

از عقاید قطعی و اختصاصی شیعیان بحث رجعت می باشد. به این معنا که در زمان ظهور قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) ائمه و خوبان خوب، و هم چنین اشقیاء و بدان بد باز می گردند تا علاوه بر جزاء و

پاداش اخروی در همین دنیا هم شاهد عزت اولیا و ذلت اعداء باشند و هر کدام بهره خود را از این دنیا بگیرند.

آقای جلوانی می گویند:

علامه در یکی از سخنرانیها بیان نموده بودند که:

من زمان ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده هستم و آن زمان را درک خواهم کرد.

بعد از فوت علامه شخصی خواب ایشان را می بیند و سوال می کند: مگر شما نفرموده بودید در زمان ظهور زنده هستید و آن زمان را درک می کنید؟

آقا فرموده بودند :

من خودم خواستم که بروم و زمان آقا امام زمان بر می گردم.

دعا و اذکار

ذکر آقا یا حی یا قیوم بود و می فرمودند :

منظور از حی امام زمان است و منظور از قیوم هم که به معنای قیام کننده است نیز امام زمان می باشد.

(این ذکر در قرآن در سه مورد وارد شد و همانگونه که می دانیم قرآن دارای بطونی می باشد و منافاتی ندارد که حی و قیوم صفت برای ذات خداوند تبارک و تعالی باشد و در جای دیگر اشاره به یکی از جلوه های بارز حیات و قیام الهی یعنی حضرت بقیه الله الاعظم باشد).

الحمد لله

از دیگر اذکار مدام آقا ذکر الحمد لله بود که به اتفاق کلیه آشنایان در خلوت و جلوت و آهسته و گرفتاریها و شادمانی ها به آن می پرداختند.

مقامات و مدارج علمی

علامه میرجهانی ، فقیهی عمیق، محدثی خبیر و عالمی محقق بودند. تأمل و تتبع در آثار مکتوب ایشان مبین این مطلب می باشد. ایشان مجتهدی مسلم بوده اند وقتی کتب ایشان را مرور می کنیم تا حد زیادی با شخصیت علمی و ادبی علامه آشنا می شویم. کتاب الدرالمکونه را که بررسی می کنیم، می بینیم که بر ادبیات عرب کاملاً مسلط بوده اند ، توانسته اند اشعار عربی نغز و زیبا یی بسرایند.

هنگامیکه کتابهایشان را پیرامون ولایت کلیه، شرح دعای سمات، تفسیر سوره حمد و ... مطالعه می کنیم، در می یابیم معلومات و دانشهای بسیاری در سینه داشته اند.

علامه میرجهانی سه دوره کل بحارالانوار علامه مجلسی را مطالعه نموده بودند و چون حافظه ای بسیار قوی داشتند احادیث آن را به خاطر سپرده بودند. در کنار تمام این دانشها، ایشان حافظ قرآن نیز بوده اند. از جمله اساتید بزرگوار علامه، مرجع عالیقدر جهان تشیع آقا سیدابوالحسن اصفهانی (رحمه الله علیه) بوده اند و علامه حدود پنج سال در بیت آیه الله العظمی اصفهانی کاتب خاصشان بوده اند.

علامه خود نیز از مدرسان و اساتید سرآمد حوزه های علمیة اصفهان و مشهد مقدس بوده اند و سطوح عالیه فقه و اصول و تفسیر قرآن کریم و ادبیات عرب را به طرز ادیبانه و عالمانه تدریس می نمودند.

در کنار همه آنها علامه از منبریهای درجه اول و از خطابه های شهر زمان خود بوده اند که در اصفهان و تهران و ... منبرها و سخنرانیهای جالب و گرانبهائی داشته اند.

آقای عبادی در این باره می گویند:
ایشان درمسجد سپهسالار تهران (شهید مطهری) منبر می رفتند. عجب
منبری!... و از هیچ کس از مقامات دولتی و لشکری هم ترس نداشتند.
الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون.

مکارم اخلاق

میهمانداری

ایشان بسیار مقید بودند که ولو با زحمت بسیار از مهمان پذیرایی کنند در
حالیکه خیلی مواقع کسی نبود در امر پذیرایی کمکشان کند.
آیه الله سیدابوالحسن مهدوی می فرمودند:
خدمتشان که می رسیدیم بیان می کردیم که ما برای پذیرایی نیامده ایم
ولی علامه خودشان می رفتند چایی می ریختند و می آوردند.

رضا و تسلیم

زمانی علامه مریض بودند و حضرت آیه الله ناصری برای عیادت ایشان
تشریف آورده بودند ما (راوی حکایت) نیز آنجا بودیم .
آیه الله ناصری برای تسکین ایشان فرمودند:
اگر امام زمان می خواستند می توانستند شما را شفا دهند
(کنایه از این که امام زمان از حال شما اطلاع دارند و صبر شما مورد
رضایت ایشان است)
آیه الله میرجهانی در جواب فرمودند:
الحمد لله.

برگزاری مجالس احياء امر اهل بیت (ع)

علامه مدت زمانی که در اصفهان بودند، اهتمام زیادی به گرامیداشت اعیاد مذهبی داشتند و در منزلشان اقدام به تشکیل مجالس مذهبی می کردند و هم چنین عصرهای جمعه هر هفته مجلس توسل نیز داشتند. از جمله اعیادی که آقا اهمیت بسزایی به آن می دادند و مورد توجه ایشان بود، عیدالزهرا (سلام الله علیها) مصادف با نهم ربیع الاول بود. علامه در این روز مبارک برخلاف بقیه مجالس، کلیه شرکت کنندگان در مجلس را مشایعت می کردند.

ارادت به امام حسن (ع)

هر چند علامه شیفته و علاقمند به تمام اهل بیت و حضرت صاحب الامر (ع) بودند، اما ارادت و احترام خاصی نسبت به کریم آل طه حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) داشتند و ایام ولادت و شهادت این ابر مرد مظلوم دنیای اسلام را ارج می نهادند.

علامه می فرمودند:

خود حضرت امام حسین (علیه السلام) ، نیز شیفته امام حسن علیه السلام بوده است.

لازم به ذکر است که آیه الله میرجهانی خودشان هم از سادات حسنی بودند.

تهجد و شب زنده داری

از دیگر خصوصیات بارز علامه مناجات و شکرگزاری در دل شب با آفریدگار خوبیه و تلاوت قرآن کریم هنگام خوابیدن بود.

آقای مسعود احمدی در این باره می گوید :

ایشان بارها در بیان رمز عبودیت و بندگی آیات ابتدایی سوره مزمل را تلاوت می کردند.

قم اللیل الا قلیلا نصفه او نقص منه قلیلا او زد علیه و رتل القرآن ترتیلا

حجه الاسلام محمدحسن شریعتی می فرمودند:
اوائل که ما در منزل ایشان زندگی می کردیم گاه بعضی شبها می دیدم
آقا تا نیمه های شب مشغول عبادت و اذکار و اورادی بودند.
هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از لطف دعای شب و ورد سحری
بود.

انس با قرآن

از ویژگیهای بزرگان دین اسلام هم نشینی و دوستی خالصانه با کتاب
انسان ساز وحی می باشد. علامه میرجهانی نیز از جلوه های آشکار این
مدعا می باشند. ایشان از کودکی و سنین کم با قرآن مأنوس شدند و تا
آخر عمر با برکت خود حافظ، قاری و کاتب کلام الله مجید بودند.
علامه در اواخر عمر هر سه روز یک ختم قرآن می نمودند.
روضه خوانی امام حسین (علیه السلام)

حجه الاسلام عبدالجواد شریعتی نقل می کنند:
آقا می فرمودند:

من هر موقع چشم بر هم می گذارم، می بینم که آقا عبدالله الحسین به من
می فرمایند: روضه مرا بخوان.
ایشان اهل روضه خوانی و مرثیه خوانی بودند و خودشان هم مجالس
عزاداری می گرفتند. علامه حتی برای اجنه نیز روضه می خواندند.
تبری

از دیگر جلوه های شخیتی و اخلاقی علامه ابراز نفرت و برائت از
دشمنان اهل بیت بود.

مراسمی که ایشان در روز عید الزهرا در منزلشان منعقد می کردند در بین مردم و همسایه ها مشهور و زبانزد بوده است.

ساده زیستی و صفای باطن

علامه فردی بی اعتنا به زخارف دنیوی بودند. ملاکها و ارزشهای افراد دینا طلب برای ایشان مطرح نبود. یکی از ملکات نفسانی اولیاء دین، ساده زیستی و از وصایای معصومین می باشد.

حضرت رسول اکرم (ص) در حدیث مشهور به اباندر می فرمایند:

یا اباندر: کن کانک فی الدنیا غریب او کما بر سبیل وعد نفسک من اصحاب القبور.

ای اباندر در دنیا مانند غریبی یا رهگذری باش و خود را اصحاب قبور به حساب بیاور.

انفاق و دستگیری از فقرا

آیه الله شوشتری در این باره می فرمایند:

در تهران و در منزل علامه بودیم که سائلی به درب منزل آمد. خود آقا درب منزل را باز کردند و مقدار پول زیادی به او کمک کردند و آن سائل خوشحال و شادمان رفت و ...
رفقای ما می گفتند که انفاق آقا به صورت مخفیانه زیاد بوده است.

معاشرین و دوستان

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم):

المرء علی دین خلیله و قرینه

انسان به دین ، (مانند) دوست و یاورش است.

علامه میرجهانی از همان دوران کودکی و نوجوانی تا اواخر عمر و دوران کهنسالی با صالحین و علماء دین و پرهیزکاران زاهد مصاحبت و نشست و برخاست داشته اند.

از جمله رفقای نزدیک ایشان می توان به حضرت آیه الله میلانی اشاره نمود.

ارتباط علامه با آیه الله میلانی بسیار محکم و زبانزد می باشد، تا جاییکه حتی خود آیه الله میلانی درخواست کرده بود که با آقا عقد اخوت و برادری بخوانند.

علامه در صحن آزادی (نو) در مشهد حجره ای داشتند که اکثراً آنجا بودند و آیه الله میلانی هم، جلیس و هم نشین ایشان بوده اند و حتی رسم این دو بزرگوار این بوده که تحویل سال جدید را در همان حجره و داخل حرم حضرت ثامن الحجج می گذارنده اند به علاوه مدتی نیز با یکدیگر همسایه و هم جوار بوده اند و در مشهد، خیابان آیه الله شیرازی (بالا خیابان) کوچه ای که هم اکنون به کوچه مدرسه آیت الله خوئی معروف است مسکن و منزل داشته اند.

از دیگر مصاحبان و نزدیکان آقا که در جهاتی مرشد و راهنمای آقا بوده اند حاج ملا آقا جان زنجانی می باشند که در منزل علامه نماز جماعت اقامه می کردند و آیه الله میرجهانی به ایشان اقتداء می نمودند.

یکی دیگر از اساتید اخلاقی ایشان مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی بوده است که پیر و مرشد علامه بوده اند.

اواخر عمر هم که علامه به اصفهان آمده بودند در بین علمای این دیار احترام خاص نسبت به آیه الله سیدمرتضی موحد ابطحی قائل بودند و در پایان دیدارها ایشان را تا درب منزل بدرقه می کردند.

بازگشت به اصفهان

سالهای آخر عمر پر برکت و گهربار ایشان بار دیگر در شهر اصفهان سپری شد، ولی حتی کهولت سن و پیری مانع از انجام فعالیتهای علمی و مذهبی علامه نشد و بیان شیرین و رسای خود را در راه ترویج و گسترش دین مبین اسلام به کار بستند و قلوب بسیاری از مردم را در جهت انس و آشنایی هر چه بیشتر با حق و حقیقت رهنمون شدند که آثار و برکات این فعالیت هم اکنون نیز بر ما معلوم می باشد.

تألیفات

آیت الله میرجهانی به خاطر جامعیت در علوم و تبحر در ادبیات و داشتن ذوق لطیف و آشنایی با علوم غریبه (جفر، رمل، اسطرلاب) دارای تألیفات موثر، متعدد و متنوعی در موضوعات:

حدیث، شعر، علوم غریبه، نجوم، شیمی، طب قدیم، ریاضیات و ... می باشند. که بسیاری از آنها چاپ و حتی بعضی از آنها چندین بار چاپ شده که کل آثار و تألیفات علامه جمعاً بالغ بر پانصد و هفت اثر می باشد. در ذیل به بعضی از آن تألیفات اشاره می شود.

(۱) روایح السمات،

موضوع : شرح دعای سمات

(۲) جنۃ العاصمه،

موضوع : تاریخ ولادت و حالات حضرت فاطمه سلام الله علیها

(۳) نوائب الدهور،

موضوع : علائم ظهور

(۴) البكاء للحسین علیه السلام،

موضوع : ثواب گریستن و عزاداری بر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)

(۵) تفسیر ام الكتاب،

موضوع : تفسیر سوره حمد

(۶) دیوان حیران،

موضوع : شعر به زبان فارسی

(۷) مستدرک نهج البلاغه الموسوم بمصباح البلاغه فی مشکوه الصباغه،

موضوع: خطبه های که مرحوم سید رضی (رحمة الله علیه) در نهج

البلاغه جمع آوری نکرده اند یا در آن اختلاف روایه وجود دارد.

(۸) ولایت کلیه،

موضوع : ولایت اهل البيت (علیهم السلام)

(۹) الدرر المکنون (دیوان عربی)،

موضوع : الامام و الامامة و صفاته الجامعة و تاریخ الائمة علیهم اسلام

(۱۰) كنوزالحكم و فنون الكلم

موضوع: کلمات و خطبه های امام حسن مجتبی علیه السلام

(۱۱) السبیکه البیضاء فی نسبت بعض آل نبی الطباء،

موضوع : جزواتی در اسناد سادات عالیقدر در این کتاب در مورد

سیادت خود و خاندان میرجهانی توضیحات کافی داده شده است.

(۱۲) مختصر کتاب ابصار المستبصرین،

موضوع : در بیان مناظره شیعه و سنی

(۱۳) مقلاد الجنان و مغلاق المیزان،

موضوع : در زمینه ادعیه و زیارات

(۱۴) ذخیره المعاد،

موضوع : ادعیه و آداب ساعات

(۱۵) رساله سعادت ابدی و خوشبختی همیشگی،

موضوع : آداب تشکیل مجالس مذهبی

(۱۶) لوامع النورفی علائم الظهور

(۱۷) شهاب ثاقب،

موضوع : در رد طایفه ضاله و مضله و طریقه منازعه با آنها.

(۱۸) مقامات الاکبریّه،

موضوع : زندگانی حضرت علی اکبر علیه السلام

(۱۹) رساله ای در احکام رضاع،

موضوع: احکام شیردادن (فقه الرضاع)

(۲۰) رساله ای در اخبار مربوط به کواکب و نجوم فلکیات

(۲۱) رساله ای در احوالات حضرت زینب کبری علیها سلام الله

(۲۲) گنجینه سرور به صورت تلفیقی عربی و فارسی

(۲۳) نصیحت به هادی،

موضوع : دستورات اخلاقی و نصایح به پسرشان جناب هادی در باب

تقوی و سیر و سلوک

(۲۴) گنج رایگان،

موضوع : در بیان طلسمات و بعضی از علوم غریبه و اخبار و آثار ولایتی

(۲۵) رساله نورستان،

موضوع : در احوالات سرزمین نورستان

(۲۶) رساله ای در مورد آیات قرآنی که مشتمل بر کلمه «رب» می باشد.

(۸۴ آیه)

(۲۷) رساله ای در ریاضیات

(۲۸) رساله ای در شیمی

(۲۹) رساله ای در طب قدیم

(۳۰) صمدیه منظومه،

موضوع : ادبیات عرب

(۳۱) قرآن به خط ایشان همراه با تفسیر در حواشی آن و کشف الآیات
(۳۲) تقریرات حضرت آیة الله سید ابوالحسن اصفهانی (رحمة الله علیه)
(۳۳) دیوان حافظ به خط زیبای ایشان که هدیه به کتابخانه آستان قدس
رضوی (شماره ثبت ۵۸۰۲) و همچنین آثار علمی دیگری در فنون متنوعه
چون رساله های متعددی در جفر و رمل و اسطرلاب و نجوم

رحلت

سرانجام خورشید نورافشان و گرمی بخش عمر این علامه دهر و یگانه
دوران پس از سالها تلاش بی وقفه در راه شناخت معارف دین در روز سه
شنبه بیست و یکم جمادی الثانی سال ۱۴۱۳ هـ. ق (۱۳۷۱ هـ. ش) به افول
گرایید و جامعه علمی و مردم قدرشناس اصفهان را در فقدان وجود
نورانی خود در سوگ نشاند.

مردم شریف اصفهان پیکر مطهر این عالم مجتهد را پس از تشییع
باعظمت و پرشکوه در بقعه علامه کبیر مجلسی (رضوان الله تعالی علیه)
واقع در مسجد جامع اصفهان به خاک سپردند.

حکایات

■ برمزار استاد

علامه میرجهانی در زمان کودکی و نوجوانی، نزد استادی به نام
«غلامعلی» آموزش خط می دیده اند و به استاد خود علاقه وافری داشته
اند.

پس از چندی استاد ایشان فوت می کند و ایشان یک عصر جمعه برای
زیارت بر سر مزار استاد رفته و شروع به تلاوت قرآن می کنند تا اینکه
هوا کم کم رو به تاریکی می گذارد.

در این هنگام صدایی به گوش علامه می رسد که:

فرزندم محمدحسن، برگرد که مادرت منتظر و دلواپس توست.

ایشان به منزل باز می گردند و می بینند که مادرشان دلواپس ایشان شده و منتظر است.

زیارت حضرت علی ابن موسی الرضا (ع)

علامه میرجهانی می فرمودند:

روزی از حرم امام هشتم (علیه السلام) بیرون آمدم که باران گرفت. یاد آن روایت افتادم « کسی که هنگام رفتن به زیارت یک قطره باران به او بخورد، تمام گناهانش بخشیده می شود.»

خیلی خوشحال شدم و اراده کردم دوباره به حرم بازگردم. داخل صحن عتیق که شدم، دیدم داخل صحن را مانند صحرای عرفات چادر سفید زده بودند و با طنابهای محکم آنها را بسته بودند.

تمام صحن این گونه بود و انتهای صحن دیواری سیاه رنگ مانند دود بود. گنبد و ضریح هم میان زمین و آسمان معلق بود. حیرت کردم و از پیر مردی که آنجا بود، پرسیدم: صحن چرا اینطور است ؟

تبسمی کرد و گفت: اینجا همیشه این گونه است: این چادرها متعلق به دوستان و محبان است که به زیارت می آیند و آنها که ولایت آقا را قبول ندارند در آن دیوار سیاه محو می شوند...